

فضاهای عمومی مجموعه‌های مسکونی بستری برای افزایش تعاملات اجتماعی ساکنان

فرزانه پریزاد^{۱*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

چکیده

امروزه با افزایش بی‌رویه جمعیت و تقاضای زیاد مردم برای مسکن، از فضاهای آپارتمانی و مجتمع‌های مسکونی نمی‌توان اجتناب کرد. متأسفانه در کشور ایران به علت صرفه‌جویی در هزینه‌ها، فضاهای جمعی مانند لابی‌های ورودی، فضاهای باز، فضاهای سبز، راهروها و ... مجموعه‌های مسکونی چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرند. از جمله نیازهای فراموش شده انسان‌ها در این طراحی‌ها، تعاملات اجتماعی است. در واقع افزایش ارتفاع ساختمان‌ها، تراکم ساخت‌وساز، تراکم جمعیت و ... باعث کاهش تعاملات اجتماعی در میان ساکنان مجموعه‌های مسکونی شده است. از این رو این مقاله به بررسی عواملی که در مجموعه‌های مسکونی سبب افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی می‌گردد، می‌پردازد. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که توجه خاص به نیازها، خواسته‌ها، الگوهای اجتماعی و عمومی ساکنین به عنوان صاحبان اصلی مجموعه‌های مسکونی از اهمیت زیادی برخوردار است. در پایان راهکارهایی جهت جمع‌بندی و نتیجه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تعاملات اجتماعی، فضاهای جمعی، فضاهای باز، مجموعه‌های مسکونی.

۱- مقدمه

در ایران همگام با روند رشد شهرنشینی فزاینده، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجتمع مسکونی به عنوان یکی از راه‌های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است [۱]. از این‌رو با حضور انسان در مجتمع‌های مسکونی انبوه، مساله فضاهای جمعی و چگونگی استفاده از این فضاها، تعامل اجتماعی و رابطه میان افرادی که بنا به ضرورت در یک مکان گرد هم آمده‌اند، بسیار پررنگ‌تر از گذشته مطرح می‌شود [۲]. در گذشته حیاط فضای ارتباط با طبیعت و گذران اوقات فراغت ساکنین بود و ارتباط مناسبی بین فضای مسکونی و محیط طبیعی برقرار می‌کرد، ولی متأسفانه در سال‌های اخیر در روند ایجاد مجتمع‌های مسکونی بیشتر فضای باز به مسیر تردد اتومبیل‌ها اختصاص یافته و طبیعت سهم ناچیزی از آن دارد و نقش فضای سبز به عنوان فضای ارتباط و تعامل هر روزه کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود، پس اگر امروز همسایه‌ها با هم بیگانه شده‌اند و فضای باز مسکونی سرد و خشک است، به این دلیل است که در طراحی مجموعه‌ها و محله‌های مسکونی به کیفیت زندگی اجتماعی افراد توجه کافی نشده است [۳]. در واقع می‌توان گفت در ایران مانند بسیاری دیگر از کشورها شناخت ناکافی از ویژگی‌های فضای جمعی، تناسب و انتظام بین آن‌ها و همچنین توانایی‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی ساکنان و به طور کلی قابلیت‌های فضا سبب گردید که این مکان‌ها از کارکردهای اساسی زندگی جمعی بازمانند. در موارد دیگر نیز در پی بی‌توجهی به اهمیت این فضاها و ناآشنا بودن طراحان با موضوع کاربری فضاهای جمعی، بخش‌هایی برای این کاربری اختصاص یافت که فاقد تناسب مطلوب با نیازهای کاربران خود بودند و این در حالی است که با فقدان هر کاربری در یک مجتمع مسکونی عملاً این کمبود به سایر فضاها منتقل شده و در بسیاری موارد نیز منجر به تداخل عملکردی در فضاهای دیگر می‌گردد [۲]. بنابراین نظر به